

بررسی «شکاف انتظار – عمل» آموزش مهارت‌های حرفه‌ای در دانش آموختگان رشته حسابداری (با تاکید بر دوره کارشناسی)

حسین فخاری، شهرام دادگر^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۷/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۲/۲۰

چکیده

آموزش مهارت‌های حرفه‌ای شرط ضروری برای تربیت حسابداران با صلاحیت و شایسته است. متأسفانه در سال‌های اخیر دانش آموختگان رشته حسابداری فاقد مهارت‌های حرفه‌ای عملی لازم می‌باشند. به دلیل وجود شکاف انتظاری بین توانایی مهارت‌های حرفه‌ای دانش آموختگان و نیازهای عملی، در پژوهش حاضر به موضوع بررسی «شکاف انتظار – عمل» در توسعه مهارت‌های حرفه‌ای براساس استانداردهای بین‌المللی آموزش حسابداری در مقطع کارشناسی ایران پرداخته و زوایای این شکاف مورد بررسی قرار گرفته است. در پژوهش حاضر پرسشنامه‌ای جهت ارزیابی این شکاف بین جامعه آماری استادان و دانشجویان رشته حسابداری در دانشگاه‌های دولتی مجری مقطع دکتری و حسابداران مستقل و حسابداران رسمی توزیع شد. براساس فرمول کوکران ۳۰۰ نفر از اعضای حرفه حسابداری، تعداد ۷۸ نفر از استادان و تعداد ۱۸۰ نفر از دانشجویان به عنوان نمونه انتخاب گردید. روایی پژوهش با استفاده از نظرات متخصصان تایید شد و پایایی در این پژوهش نیز با روش ضریب آلفای کرونباخ ۰,۹۷ گزارش و تایید شد. داده‌ها از طریق آزمون‌های مقایسه دو گروه وابسته T زوجی و تحلیل واریانس تحلیل شد. یافته‌های این پژوهش نشان داد، مهارت‌های حرفه‌ای مطرح در استاندارد بین‌المللی آموزش حسابداری شماره ۳ برای دانش آموختگان رشته حسابداری در ایران نیز با اهمیت می‌باشد همچنین «شکاف انتظار» در آموزش حسابداری وجود نداشته ولی «شکاف محدودیت‌ها» و «شکاف عمل» و «شکاف انتظار – عمل» در آموزش حسابداری در دوره کارشناسی وجود دارد. این نتایج بر ضرورت توجه در زمینه همسویی دانشگاه با نیازهای حرفه‌ای تاکید می‌کند.

کلیدواژه: شکاف انتظار – عمل حسابداری، آموزش حسابداری در ایران، دوره کارشناسی حسابداری، استانداردهای بین‌المللی آموزش حسابداری شماره ۳، مهارت‌های حرفه‌ای

^۱ دکترای حسابداری، دانشیار دانشگاه مازندران ۰۹۱۱۱۲۷۱۵۷۷

^۲ دانشجوی دکترای حسابداری، دانشگاه مازندران، sh.dadgar12@gmail.com ۰۹۳۹۳۵۸۶۸۳۷ (نویسنده مسئول)

مقدمه

نیروی انسانی متخصص و بالنده به عنوان سرمایه حقیقی کشورها، از طریق سیستم مناسب آموزشی جهت تصدی مشاغل مختلف آماده می‌شود. در ایران نیز مراکز آموزشی براساس سرفصل‌های مصوب شورای عالی برنامه ریزی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، متخصصان رشته حسابداری مورد نیاز بازارکار را آماده می‌سازد و در واقع آموزش شالوده حرفه حسابداری است (علمشاهی، ۱۳۸۵: ۵۲). از این رو موفقیت در حرفه حسابداری نیازمند ارائه برنامه‌های دقیق و اثربخش در حیطه برنامه آموزش حسابداری است. یافته‌های پژوهش‌های اخیر (رحمانی و بشیری منش ۱۳۹۴، مشایخی و همکاران ۱۳۹۴، دهنوی و همکاران ۱۳۹۱، باغومیان و رحیمی باغی ۱۳۹۱، نوروش و همکاران ۱۳۹۰، رهنمای رودپشتی و طاهرآبادی ۱۳۸۹، اعتمادی و فخاری ۱۳۸۳) نشان دادند که متأسفانه آموزش‌های دانشگاهی حسابداری در ایران در تأمین نیاز حرفه و بازارکار ناکارآمد بوده و دانش آموختگان مهارت‌های حرفه‌ای لازم را ندارند. در حالی که از یک سو ما با مازاد نیروهای دارای مدرک دانشگاهی حسابداری مواجه هستیم و سمت دیگر کارفرمایان ما در بازار کار از کمبود حسابداران متخصص شکایت می‌کنند (صالحی و همکاران، ۱۳۹۳: ۷۳).

از طرف دیگر توسعه تحصیلات حسابداری در مؤسسات و مراکز آموزش عالی به عنوان عاملی برای ترویج توانایی اشتغالزایی دانش آموختگان از سوی برخی سازمان‌های مرتبط مورد تأکید است. در این راستا هیئت استانداردهای بین‌المللی آموزش حسابداری^۱ در سال ۲۰۰۳ برای سازمان‌های عضو فدراسیون بین‌المللی حسابداران (آیفک)^۲ و اشخاص ذینفع در آموزش حسابداری، استاندارد بین‌المللی آموزشی شماره ۳ را در زمینه مهارت‌های حرفه‌ای که یکی از مولفه‌های آموزشی در حسابداری^۳ می‌باشد، منتشر کرد و این استاندارد در سال ۲۰۱۴ تجدید نظر و از سال ۲۰۱۵ اجرای آن الزامی شده است. یکپارچگی این آموزش‌ها باعث می‌شود تا حرفه، پاسخگوی انتظارات عمومی در

¹ IAESB

² IFAC

^۳ هیئت استانداردهای بین‌المللی آموزش حسابداری در استاندارد بین‌المللی آموزشی شماره یک درباره شرایط ورود به برنامه‌های آموزش حسابداری بیان می‌کند، مولفه‌های آموزش حسابداری باید شایستگی‌های حرفه‌ای لازم را به دانشجویان انتقال بدهد و تأکید دارد که مولفه‌های آموزش حسابداری شامل شایستگی و دانش فنی، مهارت‌ها، حرفه‌ای و ارزشها، اصول اخلاقی و نگرشهای حرفه‌ای می‌باشد. آنها معتقدند یکپارچگی این آموزش‌ها سبب می‌شود تا حرفه، پاسخگوی انتظارات عمومی در زمینه شایستگی‌های حرفه‌ای حسابداری شود. در ادامه استانداردهای بین‌المللی آموزش حسابداری، شایستگی فنی در استاندارد شماره ۲، مهارت‌ها، حرفه‌ای در استاندارد شماره ۳، ارزشها، اصول اخلاقی و نگرشهای حرفه‌ای در استاندارد شماره ۴ تشریح کرده است.

زمینه مهارت‌های حرفه‌ای حسابداری باشد با رعایت این استاندارد، مهارت‌های حرفه‌ای لازم برای یک حسابدار حرفه‌ای و متخصص به ارمغان می‌آورد این مهارت‌های حرفه‌ای عبارتند از: الف) (مهارت‌های فکری و ذهنی^۲) مهارت‌های بین فردی و ارتباطی (ج) مهارت‌های شخصی^۳) و مهارت‌های سازمانی^۵: این استاندارد پیامدهای یادگیری را برای مهارت‌های حرفه‌ای تجویز می‌کند که حسابداران متخصص باید از خود نشان دهند (امیری مقدم، ۱۳۹۳: ۶۰). توجه به توسعه این مهارت‌ها، شرط لازم برای موفقیت شغلی دانش‌آموختگان رشته حسابداری قلمداد می‌گردد. این در حالیست که برخلاف ضرورت این استاندارد، تاکنون با وجود عضویت انجمن حسابداران خبره ایران و جامعه حسابداران رسمی ایران در فدراسیون بین‌المللی حسابداران استانداردهای آموزشی ویژه‌ای توسط سازمان‌های حرفه‌ای مذکور در ایران به طور رسمی منتشر و اعلام نشده است و در واقع در حال حاضر در ایران، استاندارد آموزش حسابداری خاصی وجود ندارد.

در خصوص اهمیت بیشتر پژوهش حاضر می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

- نیاز به آموزش حسابداران شایسته که دارای سطح مناسبی از مهارت‌های حرفه‌ای با توجه به تغییرات روزافزون محیط تجاری اقتصاد نو ظهور ایران باشند؛
- نیاز به همگرایی آموزش حسابداری و نیازهای حرفه‌ای که طبق پژوهش‌های زیادی (نوروش، ۱۳۸۲؛ اعتمادی و فخاری، ۱۳۸۳؛ مشایخی و نوروش، ۱۳۸۴؛ ستایش و منصوری، ۱۳۹۱؛ صالحی و همکاران، ۱۳۹۳؛ رهنمای رودپشتی و طاهرآبادی، ۱۳۸۹) به دلیل وجود شکاف تایید شده است؛
- نیاز به شناسایی وجود فاصله ادراکی بین دیدگاه دانشگاهیان و شاغلین حرفه که طبق پژوهش‌های مختلف (صالحی و همکاران، ۱۳۹۳؛ مجتهدزاده و همکاران، ۱۳۸۹؛ مشایخی و همکاران، ۱۳۹۴) تایید شده است.
- نیاز به تلاش برای همگرایی بین آموزش و عمل حسابداری با تاکید بر مؤلفه‌های آموزش حسابداری در دوره کارشناسی که پژوهش حاضر درصدد بررسی آن است؛

professional skills ^۱

Intellectual ^۲

Interpersonal & Communication ^۳

Personal ^۴

Organizational^۵

- نیاز به توجه به مدل جامع «شکاف انتظار- عمل» و اجزای آن شامل «شکاف انتظار»، «شکاف محدودیت‌ها» و «شکاف عمل» در آموزش حسابداری که پژوهش حاضر درصدد آن است.

با توجه به موارد فوق پژوهش حاضر بر اساس شکاف انتظاراتی که بین آموزش و عمل حسابداری وجود دارد و با در نظر گرفتن اینکه عوامل مختلفی در ایجاد این شکاف موثر باشند بیان می‌کند که ابتدا در آموزش حسابداری باید به تبیین دانش‌ها و حوزه‌های شایستگی مؤلفه‌های آموزش حسابداری و پیامدهای یادگیری ناشی از آن در ایران با توجه به استانداردهای بین‌المللی آموزش حسابداری پرداخته و سپس به مدل جامع «شکاف انتظار- عمل» توجه شود. ضمناً با توجه به اهمیت نقش دوره کارشناسی و اینکه هدف اصلی دوره کارشناسی آماده کردن دانشجویان جهت ورود به بازار کار می‌باشد. بنابراین در این پژوهش چهار شکاف مطرح در مدل جامع «شکاف انتظار- عمل» در توسعه مهارت‌های حرفه‌ای لازم در دوره کارشناسی حسابداری براساس استاندارد بین‌المللی آموزشی حسابداری شماره ۳ مورد بررسی قرار گرفته است.

در زمینه دانش افزایی پژوهش حاضر می‌توان گفت که تاکنون پژوهشی با این عنوان در ایران انجام نشده است. لذا پژوهش حاضر می‌تواند برای تدوین استراتژی آموزش حسابداری و همچنین برنامه ریزی‌های آموزش حسابداری مفید باشد و همسوئی لازم را در زمینه آموزش حسابداری مطلوب بین بازار کار و دانشگاه فراهم آورد و انتظار می‌رود با توجه به یافته‌های این پژوهش بتوان به ضرورت توجه به شکافهای موجود در بین انتظار کارفرمایان و توانمندی دانش آموختگان رشته حسابداری در عمل تاکید نمود و با برجسته کردن مولفه‌های ضروری منجر به شکاف بین مهارت‌های حرفه‌ای که استادان دانشگاه بطور منطقی می‌توانند به دانشجو انتقال دهند و توانایی عملی دانش آموختگان رشته حسابداری، بتوان گام‌های بعدی برای ارتقای توانمندی‌های دانش آموختگان رشته حسابداری در مقطع کارشناسی و برآورده کردن انتظارات جامعه برداشت که در نهایت می‌تواند منجر به فرصتی مغتنم برای دست‌اندرکاران و نهادهای حرفه‌ای و دانشگاهی رشته حسابداری شده تا با شناخت بهتر انتظارات شاغلین در حرفه و توانمندی‌های دانش آموختگان رشته حسابداری در عمل به برنامه ریزی‌های آینده در جهت پرورش و آموزش بهتر دانش آموختگان رشته حسابداری در راستای تأمین نیازهای جامعه و حرفه اقدام کرد تا موجب کاهش شکاف انتظار - عمل مهارت‌ها در برنامه آموزش حسابداری شوند.

بر همین اساس هدف اصلی پژوهش حاضر بررسی این موضوع است که مدل جامع «شکاف انتظار - عمل» آموزش مهارت‌های حرفه‌ای دانش‌آموختگان رشته حسابداری به چه میزان است؟ به عبارتی دیگر بین آموزش کدام مهارت‌های حرفه‌ای به دانش‌آموختگان رشته حسابداری و توانایی آنها در زمینه مهارت‌های حرفه‌ای در عمل شکاف وجود داشته و دیدگاه‌های ذینفعان درگیر در این بحث به چه میزان است؟

در این پژوهش چهار فرضیه به شرح زیر، مورد بررسی قرار می‌گیرد:

فرضیه ۱- از دیدگاه شاغلین در حرفه بین مهارت‌های حرفه‌ای مورد انتظار و دستیابی دانش‌آموختگان مقطع کارشناسی رشته حسابداری به این مهارت‌ها در عمل تفاوت معنی‌دار وجود دارد.
فرضیه ۲- بین انتظار شاغلین در حرفه و استادان و دانشجویان دانشگاه‌ها درباره مهارت‌های لازم در موفقیت شغلی دانش‌آموختگان رشته حسابداری مقطع کارشناسی رشته حسابداری تفاوت معنی‌دار وجود دارد.

فرضیه ۳- از دیدگاه استادان بین مهارت‌های حرفه‌ای مورد انتظار در موفقیت شغلی دانش‌آموختگان مقطع کارشناسی رشته حسابداری و مهارت‌های حرفه‌ای تحصیل شده توسط آنها تفاوت معنی‌دار وجود دارد.

فرضیه ۴- بین دیدگاه شاغلین حرفه و دانشجویان در دستیابی دانش‌آموختگان مقطع کارشناسی رشته حسابداری به مهارت‌های حرفه‌ای و دیدگاه استادان در انتقال و آموزش این مهارت‌ها به آنها تفاوت معنی‌دار وجود دارد.

در ادامه پس از بیان مبانی نظری و پیشینه پژوهش به تحلیل یافته‌ها پرداخته و در نهایت بحث و نتیجه‌گیری ارائه می‌شود.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

بر اساس تئوری سرمایه انسانی، کارکرد مؤثر منابع انسانی کارآمد چرخ‌های اقتصادی و صنعتی را بکار انداخته و باعث انباشت درآمد ملی می‌شوند و از طرفی آموزش عالی جایگاه ممتازی در نظریه سرمایه انسانی دارد و خدمات آموزشی یک نوع سرمایه‌گذاری مولد در ذخیره نیروی انسانی است (صالحی عمران، ۱۳۸۳: ۵۶). لذا تلاش زیادی جهت ارتقای کارآمدی آموزش‌های دانشگاهی جهت تربیت مناسب سرمایه‌های انسانی انجام می‌شود، در ایران نیز هدف از این دوره آموزش و تربیت متخصصان و کارشناسان حرفه‌ای حسابداری می‌باشد. بنابراین رسالت اصلی دانشگاه‌ها در مرحله نخست، شناسایی انتظارات بازارکار و در مرحله بعد اقدام به آموزش این مهارت‌ها به

دانشجویان است. البته در بعضی از رشته‌ها مثل حسابداری، آموزش‌های دانشگاهی از نیازهای واقعی بازارکار فاصله گرفته و اغلب دانش آموختگان رشته حسابداری در عمل انتظارات حرفه را برآورده نمی‌سازند و بین انتظارات و عمل دانش آموختگان رشته حسابداری شکاف وجود دارد که این می‌تواند شاید به این دلیل باشد که رشته علمی حسابداری نتوانسته خود را همگام با پیشرفتهای دیگر به روز کند و در شیوه آموزش و انتقال مناسب همین معلومات حسابداری به دانشجویان در دانشگاه‌ها خلاء و فاصله وجود دارد و دانشجویان براساس انتظارات حرفه آماده بازارکار نشده اند(صالحی و همکاران، ۱۳۹۳: ۷۵). نایت و یورک(۲۰۰۳) بیان می‌کنند که اشتغال افراد تحصیل کرده (سرمایه‌های انسانی) که دارای آموزش‌های مدنظر دولت می‌باشد. مؤسّسات و مراکز آموزش عالی به عنوان عامل واسطه بین مرزهای دولت و کسب و کار در نظر گرفته می‌شود و به افراد مهارت‌ها مورد نیاز را آموزش می‌دهند و یورک^۲(۲۰۰۶) بیان می‌کند علاقه به اشتغال از طریق تحصیل در مراکز آموزش عالی که مهارت‌های افراد را توسعه می‌دهند، انعکاس بخشی از تئوری سرمایه انسانی می‌باشد(پرویز^۳، ۲۰۱۴: ۲۰۰).

به این ترتیب، هدف این پژوهش را به شرح زیر می‌توان در ادبیات سرمایه انسانی قرار دارد: چه شکافی بین سرمایه انسانی (مهارت‌های حرفه‌ای) مورد انتظار شاغلین در حرفه و دستیابی دانش آموختگان مقطع کارشناسی رشته حسابداری به این صلاحیت‌های حرفه‌ای لازم در عمل وجود دارد؟

از آنجایی که تاکنون بررسی‌ای بابت این شکاف‌ها در ایران انجام نشده است لذا این پژوهش برای تدوین استراتژی آموزش حسابداری و همچنین برنامه ریزی‌های آموزش حسابداری مفید بوده و همسوئی لازم را در زمینه آموزش حسابداری مطلوب بین بازارکار و دانشگاه فراهم می‌سازد. از طرف دیگر در این پژوهش پدیده «شکاف انتظار-عمل» بررسی می‌شود. «نظریه برنامه آموزشی» برای ارائه پشتیبانی معرفت‌شناختی و پدیدارشناسی این پژوهش مناسب است و نظریه برنامه آموزشی به عنوان یک مطالعه درون رشته‌ای تجربه آموزشی تعریف می‌شود (پینار^۴، ۲۰۰۴: ۶۰).

Knight and Yorke^۱

Yorke^۲

Parvaiz^۳

Pinar^۴

نظریه برنامه آموزشی عبارتست از تجزیه و تحلیل یک رشته دانشگاهی به منظور توسعه برنامه های آموزشی طراحی شده برای تامین خواسته های آتی می باشد. یکی از ایدئولوژی های آنظریه برنامه آموزشی ایدئولوژی اثربخشی اجتماعی^۳ می باشد، براساس این ایدئولوژی مراکز آموزشی باید صلاحیتها و دانش های لازم را به دانش آموزان آموزش دهند تا این افراد در جامعه اثربخش و موفق باشند (پرویز، ۲۰۱۴: ۱۵۶). مطابق با این نظریه به نظر می رسد، براساس سرفصل های آموزشی دوره کارشناسی حسابداری در ایران «هدف این دوره آموزش دانش ها و مهارت های حرفه ای لازم به افراد در موفقیت شغلی و تامین انتظارات حرفه می باشد». با توجه به این نظریه هدف این پژوهش بررسی شکاف انتظار - عمل مهارت های حرفه ای در حوزه آموزش حسابداری در ایران است.

ادبیات پژوهش نشان می دهد که پژوهش های مختلفی درباره آموزش حسابداری و بررسی نظرات گروه های اصلی دخیل در آموزش حسابداری و تبیین مولفه های آموزش حسابداری انجام گرفته است و از اواسط دهه ۱۹۸۰ حرفه حسابداری، دانشگاهیان از عدم همسوئی آموزش و تربیت نیروی انسانی آماده و توانمند با مهارت های کافی شکایت دارند. شکایت از اینکه آموزش حسابداری قادر نبوده است دانش آموختگانی با صلاحیت و شایسته (از نظر مهارت حرفه ای) تربیت کند و بین انتظارات از دانش آموختگان رشته حسابداری و توانمندی های آنها در عمل شکاف وجود دارد. بیوتی و پورتر^۳ (۲۰۱۰)، آبایدیرا و واتی^۴ (۲۰۱۴) و پرویز (۲۰۱۴) با مطرح کردن چارچوب شکاف - انتظار به بررسی تفاوت های بین انتظارات شاغلین حرفه دانشگاهیان در مورد تحصیل صلاحیت های لازم و ناکارآمدی نظام آموزشی در توسعه این صلاحیت ها پرداخته اند و ایدئولوژی اثربخشی اجتماعی نظریه برنامه آموزشی را توسعه دادند. این چارچوب همراه با بررسی شکاف انتظار حرفه و عمل

curriculum theory^۱

^۲ شیرو (۲۰۱۲) برای نظریه برنامه آموزشی چهار ایدئولوژی به شرح زیر بیان می شود: ۱- ایدئولوژی محقق دانشگاهی (یادگیری برای فکر کردن و رفتار کردن مانند یک عضو هیئت علمی دانشگاه) ۲- ایدئولوژی یادگیرنده محور (دانشجویان، استاد و برنامه آموزشی هر سه در یادگیری نقش دارند ولی دانشجویان باید آنچه را اساتید تدریس و آموزش می دهند، یاد بگیرند) ۳- ایدئولوژی بازسازی اجتماعی (فرض می شود که آموزش می تواند جامعه را از تباهی نجات داد، به دلیل آن که جامعه ناسالم است و دوره های آموزشی وسیله ای برای حل مشکلات جامعه است) ۴- ایدئولوژی اثربخشی اجتماعی (زندگی انسان عبارتست از کاربرد توانایی های خاص می باشد و برنامه های آموزشی باید افراد را برای زندگی آماده کنند بنابراین مراکز آموزشی با برنامه های آموزشی باید این ادامه توانایی های خاص را به افراد آموزش دهند و) در قرن ۲۱، با توجه به غلبه قدرت های اقتصادی و سیاسی، می توان متوجه شد که برنامه های آموزشی بیشتر از ایدئولوژی اثربخشی اجتماعی تاثیر پذیرفته اند.

& Porter. Bui, B^۳

Abayadeera & Watty^۴

واقعی دانش‌آموختگان، علل هرگونه ناتوانی دانش‌آموختگان را از منظر سه شکاف مورد بررسی قرار دادند :

اولین شکاف به شکاف انتظار دانشگاهیان و افراد حرفه‌ای در مورد صلاحیت‌هایی که باید دانش‌آموختگان رشته حسابداری داشته باشند، مربوط می‌شود. در همین رابطه پژوهش‌های مختلفی (آرمیتاژ، ۱۹۹۱؛ نوین و همکاران، ۱۹۹۷؛ فرانسویس و مینچینگتون، ۱۹۹۹؛ لین، خیونگ و لیوئی، ۲۰۰۵؛ بلیزی و همکاران، ۲۰۰۸؛ راگوتامن، لایوین و دیویس، ۲۰۰۷؛ مشایخی و نوروش، ۱۳۸۴؛ مجتهدزاده و همکاران، ۱۳۸۹؛ مشایخی و همکاران، ۱۳۹۴) به بررسی دیدگاه شاغلان در حرفه، استادان دانشگاه برای تعیین دانش و مهارت‌های مورد نیاز برای دانشجویان رشته حسابداری پرداخته‌اند و بیان کردند که بین دیدگاه شاغلین در حرفه و دانشگاهیان فاصله و شکاف وجود دارد.

دومین شکاف مربوط به عدم توانایی استادان در تدریس و انتقال مولفه‌های آموزش حسابداری مورد انتظار شان می‌باشد (بیوئی و پورتر، ۲۰۱۰؛ پرویز، ۲۰۱۴؛ آبایدیرا و واتی، ۲۰۱۴).

سومین شکاف مربوط به شکاف بین مهارت‌هایی که از نظر استادان دانشگاه به دانشجویان منتقل می‌شود و مهارت‌هایی دانشجویان در عمل نشان می‌دهند می‌باشد و دلیلی بر اثربخش نبودن تدریس در دانشگاه می‌باشد. (ولک و همکاران، ۱۹۹۷)

بر همین اساس پژوهش حاضر در صدد است با توجه به وجود عدم همسویی آموزش و نیازهای عملی در مورد مهارت‌های حرفه‌ای بطور جامع به بررسی یکپارچه شکاف انتظار و عمل در آموزش مهارت‌های حرفه‌ای در رشته حسابداری در ایران بپردازد.

بدیهی است برای تامین انتظارات کارفرمایان و توانمند کردن دانش‌آموختگان حسابداری در مورد مهارت‌های حرفه‌ای و حل مشکلات پیش روی نظام آموزش حسابداری در ایران باید این شکاف

Armitage ^۱

Novin et al. ^۲

Francis and Minchington ^۳

Lin, Xiong, and Liu ^۴

Blazey et al. ^۵

Ragothaman, Lavin and Davis ^۶

Wolk et al. ^۷

ها بصورت یک جا و جامع شناسایی گردند تا با تدوین برنامه جامع آموزش مهارت‌های حرفه‌ای در رشته حسابداری گام‌های بعدی جهت ارتقا آموزش رشته حسابداری و تامین انتظارات برداشته شود. مدل «شکاف انتظار - عمل» بطور جامع علل عدم موفقیت دانشگاه‌ها در تربیت دانش‌آموختگان رشته حسابداری در تامین انتظارات حرفه و بازارکار را بیان می‌کند. این مدل شامل «شکاف انتظار - عمل»، «شکاف انتظار»، «شکاف محدودیت‌ها» و «شکاف عمل» می‌باشد (دادگر و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۴).

بررسی پیشینه پژوهش‌ها از جهت تدوین طرح مناسب پژوهش و جلوگیری از تکراری نبودن پژوهش موثر است. بر همین اساس در ادامه به پیشینه پژوهش‌های خارجی و داخلی پرداخته می‌شود.

در زمینه آموزش حسابداری در ایران و خارج از ایران پژوهش‌های زیادی انجام شده است که در ادامه به پژوهش‌های خارجی و داخلی مرتبط با موضوع پژوهش پرداخته می‌شود.

پرتاما^۱ (۲۰۱۵) به بررسی اهمیت نقش استانداردهای بین‌المللی آموزشی حسابداری به عنوان پلی بین حرفه و دانشگاه در زمینه شایستگی‌های حسابداران می‌پردازد و بیان می‌کند استانداردهای بین‌المللی آموزشی حسابداری مهم می‌باشند و به شکاف انتظارات بین استادان و اعضای حرفه پرداخته است و نتیجه می‌گیرد در مورد مهارت‌های حرفه‌ای شکاف انتظاراتی وجود دارد. دیدگاه استادان مبتنی بر تئوری و دیدگاه اعضای حرفه مبتنی بر نیازهای بازار و عمل می‌باشد.

پرویز^۲ (۲۰۱۴) در رساله دکتری خود در پژوهشی ابتدا اهمیت مدل شکاف انتظار - عمل را بیان می‌کند و به شکاف انتظار - عمل در زمینه مهارت‌ها با هدف توانایی اشتغال‌زایی در پاکستان پرداخته است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که انتظارات استادان دانشگاه و شاغلین در حرفه در مورد مهارت‌های دانش‌آموختگان متفاوت می‌باشد. در بیشتر مهارت‌های مورد بررسی شکاف انتظار - عمل، شکاف عمل، شکاف محدودیت‌ها وجود دارد.

آبایدیرا و واتی (۲۰۱۴) به پژوهش در باره شکاف «انتظار - عمل» مهارت‌های مهم در موفقیت شغلی دانش‌آموختگان حسابداری از دیدگاه اساتید دانشگاه و شاغلین حرفه در سریلانکا می‌پردازد و بیان می‌کند که توسعه مهارت‌ها و دانش‌های ضروری در دانش‌آموختگان حسابداری برای موفقیت شغلی بسیار مهم هستند و اگرچه اساتید دانشگاه از انتظار کارفرمایان از دانش‌آموختگان حسابداری

^۱ Pretama

^۲ Parvaiz

آگاه هستند و شکاف انتظار وجود ندارد ولی دانشجویان مهارت‌های مورد انتظار استادان را کسب نکرده‌اند و شکاف محدودیت‌ها وجود دارد. دانشجویان مهارت‌هایی که کسب کرده‌اند را نیز نمی‌توانند در عمل نشان دهند و شکاف عمل نیز وجود دارد و نهایتاً اعضای حرفه بیان می‌کنند که دانش‌آموختگان رشته حسابداری بسیار از توانمندی‌های مورد انتظار را کسب نکردند و شکاف انتظار - عمل در رشته حسابداری وجود دارد.

بیوی و پورتر^۱ (۲۰۱۰) برای بار اولین مدل جامع شکاف انتظار - عمل در آموزش حسابداری مطرح کردند و بیان می‌کنند نهادهای حرفه‌ای حسابداری، کارفرمایان دانش‌آموختگان رشته حسابداری و دانشگاهیان در مورد شکست دانشگاه‌ها در تجهیز دانش‌آموختگان با صلاحیت‌های مورد نیاز در محیط‌های تجاری جدید هم عقیده‌اند. تغییر در آموزش حسابداری ایجاد شده است اما شکاف بین صلاحیت‌ها و توانمندی‌های مورد انتظار کارفرمایان و صلاحیت‌های دانش‌آموختگان در عمل در مطالعات قبلی مورد ارزیابی قرار نگرفته است و باید به آن توجه نمود و بر اساس مروری بر مطالعات قبلی چارچوب شکاف انتظار - عمل (شامل شکاف انتظار، شکاف محدودیت‌ها و شکاف عمل) پیشنهاد می‌شود.

اسمیت^۲ (۲۰۰۶) در پژوهش خود درباره تفاوت اولویتهای آموزشی در محتوای دروس مقطع کارشناسی حسابداری بیان می‌دارد که مدیران مالی و شاغلین در حرفه از کارایی پایین فارغ التحصیلان حسابداری بسیار ناراضی بوده و این نارضایتی ناشی از وجود شکاف انتظاراتی بین شاغلین در حرفه با استادان دانشگاهی می‌باشد.

لین، خیونگ و لیوی^۳ (۲۰۰۵) نیز در پژوهشی به بررسی دیدگاه شاغلین در حرفه، استادان دانشگاه برای تعیین دانش و مهارت‌های مورد نیاز برای دانشجویان رشته حسابداری در چین پرداخته‌اند و شکاف انتظاراتی بین شاغلین حرفه و استادان را بررسی کرده‌اند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد شکاف انتظار وجود دارد.

مطالعه کمیته بدفورد^۴ انجمن حسابداری آمریکا در سال ۱۹۸۶ از جمله مطالعات اولیه هست که به ضعف آموزش حسابداری در تجهیز دانش‌آموختگان در برآورد نیازهای حرفه پرداخته است و شکاف «انتظار - عمل» را بررسی می‌نماید. کمیته بدفورد بیان می‌کند که شکاف آموزش و عمل در

Bui & Porter ^۱

Smith ^۲

Lin, Xiong, and Liu^۳

Bedford Committee ^۴

حسابداری وجود دارد و نیاز به آموزش‌های تخصصی و گسترده حسابداری ناشی از رقابتی شدن بازارکار حسابداران را از عوامل مهم شکاف آموزش و عمل می‌داند. به عقیده بدفورد، آموزش حسابداری با تغییرات کمی داشته، نتوانسته واکنشی مناسب نسبت به نیازها و تغییرات محیطی اتفاق افتاده داشته باشد.

دادگر و همکاران (۱۳۹۵) در مقاله خود درباره اهمیت مدل جامع «شکاف انتظار - عمل» در توسعه مؤلفه‌های آموزش حسابداری بیان می‌کنند در سال‌های اخیر آموزش‌های دانشگاهی حسابداری در تأمین نیاز حرفه و بازار کار دچار چالش‌هایی بوده است. از جمله این چالش‌ها نارضایتی کارفرمایان از توانمندی حسابداران در برآورده کردن انتظارات حرفه‌ای در مرحله عمل است. در این راستا مدل جامع «شکاف انتظار-عمل» می‌تواند در دستیابی به الگویی برای رفع این چالش مؤثر باشد. در این پژوهش که به صورت تحلیلی - توصیفی و به روش کتابخانه‌ای صورت گرفته است به مدل جامع «شکاف انتظار - عمل» در شناسایی و توسعه مؤلفه‌های آموزش حسابداری در ایران پرداخته شده و زوایای آن مورد نقد و بررسی قرار گرفته است. نتایج بدست آمده از این پژوهش بیانگر آن است که مدل «شکاف انتظار - عمل» در آموزش حسابداری ایران می‌تواند در شناسایی و توسعه مؤلفه‌های آموزش حسابداری و در نتیجه تأمین نیازهای بازار کار و توانایی اشتغال‌زای دانش‌آموختگان رشته حسابداری راهنمایی بی‌بدیل باشد.

مشایخی و همکاران (۱۳۹۴) به شکاف انتظار میان استادان و دانشجویان در مورد کیفیت آموزشی حسابداری در مقطع کارشناسی ارشد پرداخته است و بیان می‌کند که باید «شکاف انتظار» شناسایی شود تا مسائل موجود در برنامه‌های آموزشی آشکار شود و مواردی که نیاز به اصلاح هست برجسته نماید. نتایج تحقیق نشان می‌دهد از نظر پاسخ دهندگان در مورد آموزش مهارت‌های حرفه‌ای شکاف انتظاراتی در رشته حسابداری وجود دارد.

مجتهدزاده و همکاران (۱۳۸۹) به پژوهش در مورد اهمیت دانش و مهارت‌های مورد نیاز دانش‌آموختگان مقطع کارشناسی حسابداری از دیدگاه استادان دانشگاه، شاغلین در حرفه و دانشجویان در استان آذربایجان غربی پرداختند. نتایج نشان می‌دهد بین انتظارات استادان، شاغلین در حرفه و دانشجویان در خصوص اهمیت دانش و مهارت‌های مورد نیاز برای دانش‌آموختگان مقطع کارشناسی حسابداری تفاوت معنا دار وجود دارد و نیز از نظر پاسخ دهندگان بین توانایی عملی دانش‌آموختگان حسابداری تفاوت معنی دار وجود دارد.

اعتمادی و فخاری (۱۳۸۳) در پژوهش خود به ارتباط بین پژوهش‌ها، آموزش و عمل حسابداری پرداختند و در بخش وضعیت علمی حسابداری در ایران عنوان کردند که فعالیتهای آموزشی در کشور تا حدود زیادی از نیازهای حرفه‌ایفاصله گرفته و فاقد کارایی جهت رفع نیازها می باشد و بین انتظارات دانشگاهیان و اعضای حرفه شکاف زیادی وجود دارد.

نوروش (۱۳۸۲) مشکل آموزش حسابداری را کمبود نیروی انسانی مورد نیاز، دانشجویان واجد شرایط و محتوای ضعیف برنامه تحصیلی عنوان داشته و یادآوری نموده که بسیاری از مطالب برنامه درسی اثربخش نمی باشد. محقق در نهایت نتیجه گیری می نماید که دانش آموختگان دوره کارشناسی رشته حسابداری نتوانستند انتظارات کارفرمایان را تامین نمایند.

بازنگری پژوهش‌های انجام شده نشان می دهد که پژوهشی که بصورت جامع به بررسی شکاف انتظاراتی مهارت‌های حرفه‌ای عملی فارغ التحصیلان حسابداری بپردازد وجود ندارد بر همین اساس پژوهش حاضر در صدد بررسی این موضوع در سطح دانشگاهیان وافرادی حرفه‌ای در ایران می باشد.

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نظر شیوه گردآوری داده ها، توصیفی- پیمایشی و از لحاظ هدف کاربردی می باشد. قلمرو زمانی پژوهش سال تحصیلی ۱۳۹۵ است. قلمرو پژوهش شامل اعضای هیئت علمی و دانشجویان سال آخر کارشناسی رشته حسابداری در دانشگاههای مجری مقطع دکتری (شامل دانشگاههای تهران، علامه طباطبایی، تربیت مدرس، شهید بهشتی، الزهرا(س)، شیراز، شهید چمران اهواز، بین المللی امام خمینی(ره)، دانشگاه شهید باهنر کرمان و دانشگاه مازندران) و حسابداران مستقل و حسابداران رسمی در سازمان‌های حرفه‌ای عضو آیفک در ایران (یعنی جامعه حسابداران رسمی ایران و انجمن حسابداران خبره ایران) می باشد. جامعه آماری فرضیه اول حسابداران مستقل و حسابداران رسمی می باشد، جامعه آماری فرضیه دوم و چهارم دانشجویان، اعضای هیات علمی دانشگاههای دولتی مجری مقطع دکتری و حسابداران مستقل و حسابداران رسمی می باشد و جامعه آماری فرضیه سوم اعضای هیات علمی دانشگاههای مجری مقطع دکتری می باشد. حجم نمونه پژوهش براساس فرمول کوکران و جدول مورگان محاسبه گردید. با توجه به فرمول کوکران با سطح خطای ۵ درصد و جدول نمونه گیری مورگان تعداد ۳۰۰ نفر از اعضای حرفه حسابداری، تعداد ۷۸ نفر از استادان دانشگاه و تعداد ۱۸۰ نفر از دانشجویان دوره کارشناسی حسابداری به عنوان نمونه انتخاب گردید. جدول ۱، حجم جامعه و حجم نمونه ها را نشان می دهد.

جدول ۱. حجم جامعه و نمونه‌ها

		استادان دانشگاه	شاغلین در حرفه	
جمع کل	دانشجویان			
۱۸۱۰	۳۳۸	۹۶	۱۳۷۶	حجم جامعه
۵۵۶	۱۸۰	۷۶	۳۰۰	حجم نمونه

توزیع پرسشنامه پژوهش به دو روش صورت گرفت؛ در روش نخست پرسشنامه برای تمامی پاسخ دهندگان از طریق پست الکترونیکی ارسال شد که تعداد پرسشنامه‌های برگشت داده شده انگشت شمار بودند (فقط دو پرسشنامه). در روش دوم پژوهشگران به صورت حضوری به دفاتر انجمن حسابداران خبره ایران، جامعه حسابداران رسمی ایران، موسسات حسابرسی، دانشگاه‌ها و سازمان حسابرسی مراجعه کردند. در این روش با توجه به ابزار پرسشنامه و احتمال عدم برگشت آن، پرسشنامه‌ها در سه مرحله بین پاسخگویان توزیع گردید که جدول ۲، مراحل سه گانه توزیع پرسشنامه و میزان جوابهای دریافتی را نشان می‌دهد.

جدول ۲. توزیع پرسشنامه‌های ارسالی و دریافتی طی مراحل سه گانه

دانشجویان		استادان دانشگاه		شاغلین در حرفه		
دریافتی	توزیع شده	دریافتی	توزیع شده	دریافتی	توزیع شده	
۷۵	۱۸۰	۱۵	۷۶	۶۲	۳۰۰	مرحله اول
۳۴	۱۰۵	۱۱	۶۱	۳۵	۲۳۸	مرحله دوم
۱۱	۷۱	۷	۵۰	۴۳	۲۰۳	مرحله سوم
۱۲۰		۳۳		۱۴۰		جمع

پس از توزیع پرسشنامه‌ها ۱۴۰ نسخه از شاغلین حرفه، ۳۳ نسخه از استادان و ۱۲۰ نسخه از دانشجویان جمع آوری شد که با حذف پرسشنامه‌های تکمیل نشده، در نهایت از ۱۰۷ پرسشنامه شاغلین حرفه، ۲۹ پرسشنامه استادان و ۹۸ پرسشنامه دانشجویان به عنوان نمونه نهایی برای تجزیه و تحلیل استفاده شد. به منظور کنترل این موضوع که آیا نتایج پرسشنامه‌های دریافت نشده می‌توانست بر یافته‌های پژوهش اثر بگذارد، میانگین سه مرحله توزیع پرسشنامه از طریق آزمون تحلیل واریانس مقایسه شدند. با توجه به مقدار معنی داری این آزمون (۰/۰۳۴) که کمتر از ۵ درصد است، می‌توان گفت در صورت پاسخگویی سایر افراد نمونه انتخابی نیز، نتایج به دست آمده تغییری نمی‌کرد.

پرسشنامه پژوهش براساس مولفه های استاندارد شماره ۳ آموزش حسابداری هیات استانداردهای بین المللی آموزش حسابداری درباره مهارت‌های حرفه‌ای در سال ۲۰۱۴ می باشد. این استاندارد دارای ۲۸ مولفه مهارت حرفه‌ای هست که شامل توانایی ذهنی، توانایی ارزیابی اطلاعات از منابع و دیدگاه‌های مختلف از طریق تحقیق، تحلیل و یکپارچه سازی، توانایی اعمال قضاوت حرفه‌ای، شامل شناسایی و ارزیابی گزینه های جایگزین برای رسیدن به نتایج مستدل بر اساس تمام حقایق و شرایط مربوطه، توانایی شناسایی زمان مناسب برای مشورت با متخصصان برای حل مشکلات و نتیجه گیری، توانایی اعمال استدلال، تجزیه و تحلیل انتقادی و تفکر خلاق برای حل مسائل، توانایی پیشنهاد راه حل برای مسائل بدون ساختار و مسائل چند بعدی، مهارت‌های بین فردی و ارتباطی، توانایی انجام همکاری و کار گروهی در هنگام تلاش جهت اهداف سازمانی، توانایی برقراری ارتباط به صورت واضح و مختصر هنگام ارائه، بحث و گزارش در شرایط رسمی و غیر رسمی، بصورت کتبی و شفاهی، توانایی ابراز آگاهی از تفاوت های فرهنگی و زبانی در تمام ارتباطات، توانایی اعمال گوش دادن فعال و مهارت‌های مصاحبه موثر، توانایی اعمال مهارت های مذاکره برای رسیدن به راه حل و توافق، توانایی اعمال مهارت های مشاوره ای برای به حداقل رساندن و یا حل تضاد، حل مشکلات، و به حداکثر رساندن فرصت ها، توانایی ابراز عقاید و نفوذ به دیگران برای ایجاد پشتیبانی و عمل به تعهدات، مهارت‌های شخصی، توانایی تعهد به یادگیری مادام العمر، توانایی اعمال تردید حرفه‌ای از طریق پرسش و ارزیابی انتقادی همه اطلاعات، توانایی ایجاد استانداردهای شخصی بالا برای ارائه و نظارت بر عملکرد شخصی، از طریق بازخورد از دیگران و از طریق تفکر، توانایی مدیریت زمان و منابع برای تحقق تعهدات حرفه‌ای، توانایی پیش بینی چالش ها و برنامه ریزی راه حل های بالقوه، توانایی اعمال ذهن باز برای فرصت های جدید، مهارت‌های سازمانی، توانایی انجام وظایف در زمان مشخص مطابق با آیین نامه سازمان، توانایی بررسی کار خود و دیگران برای تعیین اینکه آیا آن مطابق با استانداردهای کیفیت سازمان است، توانایی اعمال مهارت های مدیریت افراد برای ایجاد انگیزه و تربیت دیگران، توانایی استفاده از مهارت های نمایندگی برای تفویض اختیارات، توانایی اعمال مهارت‌های رهبری، توانایی کاربرد ابزار و فناوری مناسب برای افزایش کارایی و اثربخشی و بهبود تصمیم گیری می باشد. در پرسشنامه مذکور از مقیاس ۵ درجه ای لیکرت برای سنجش داده ها استفاده شده است.

در این پژوهش برای سنجش روایی پرسشنامه از شاخص نسبت روایی محتوایی (CVR) استفاده شده است. جهت محاسبه این شاخص از نظرات کارشناسان متخصص در زمینه محتوای آزمون مورد

نظر استفاده می‌شود. در این پژوهش ۱۰ نفر متخصص سؤالات را مورد ارزیابی قرار داده‌اند. نتایج بررسی نظرات آنها نشان داد ضریب CVR در هریک از سؤالات پرسشنامه پژوهش بیش از ۰/۸۰ می‌باشد. بنابراین از روایی لازم برخوردار می‌باشد. در این پژوهش برای اندازه‌گیری پایایی پرسشنامه از روش آلفای کرونباخ استفاده شد. میزان ضریب آلفای کرونباخ پرسشنامه ۰,۹۷ می‌باشد. بنابراین از پایایی بالایی نیز برخوردار می‌باشد.

یافته‌های پژوهش

آمار توصیفی

این بخش شامل یافته‌های مربوط به اطلاعات جمعیت‌شناسی پژوهش، آمار توصیفی و آمار استنباطی و آزمون فرضیه‌ها می‌باشد.

به منظور آشنایی با خصوصیات جامعه آماری، اطلاعات جمعیت‌شناسی پژوهش در جدول ۳ درج شده است.

جدول ۳. جمعیت‌شناسی پژوهش

دانشجویان			استادان			اعضای حرفه‌حسابداری					
کل	زن	مرد	کل	نامشخص ص	زن	مرد	کل	نامشخص ص	زن	مرد	
۲۲-۲۴	۲۲-۲۴	۲۲-۲۴	۴۱-۵۰		۴۱-۵۰	۵۱-۶۰	۴۱-۵۰		۴۱-۵۰	۴۱-۵۰	متوسط سن
۱۰۰٪	۴۴٪	۵۶٪	۱۰۰٪	۱۴٪	۲۱٪	۶۶٪	۱۰۰٪	۶٪	۸٪	۸۶٪	نسبت جنسیت
-	-	۵-۱	۶-۱۵		۶-۱۵	۶-۱۵			۶-۱۵	۱۶-۲۵	متوسط سابقه کاری
-	-	-	۱۶-۲۵		۶-۱۵	۱۶-۲۵	کمتر از ۵		کمتر از ۵	کمتر از ۵	متوسط سابقه تدریس
دانشجو لیسانس س	دانشجو لیسانس س	دانشجو لیسانس س	دکتر		دکتر	دکتر ۱	فوق لیسانس س		فوق لیسانس س	فوق لیسانس س	متوسط میزان تحصیلات

به منظور بررسی و تجزیه و تحلیل اولیه داده‌ها، آمار توصیفی پرسشنامه در جدول ۴ ارائه شده است. میانگین و میانه مهارت‌های حرفه‌ای مورد انتظار که به ترتیب برای استادان ۴,۰۴ و ۴, شاغلین حرفه ۳,۸۴ و ۳,۹ و دانشجویان ۳,۸۳ و ۳,۹، میانگین و میانه مهارت‌های حرفه‌ای عملی که به ترتیب برای استادان ۲,۱۲ و ۲,۱، شاغلین حرفه ۲,۴۱ و ۲,۴ و دانشجویان ۲,۴۶ و ۲,۵ به دست آمده است، نشان می‌دهد استادان انتظار دارند دانش‌آموختگان در دوره کارشناسی حسابداری بیشترین

مهارت‌های حرفه‌ای را تحصیل نمایند و نیز شاغلین حرفه و دانشجویان در مورد مهارت‌های حرفه‌ای انتظارات یکسانی دارند و از نظر دانشجویان دانش آموختگان رشته حسابداری بیشترین مهارت‌های حرفه‌ای را به دست آورده اند ولی از نظر استادان دانشگاه‌ها حرفه دانش آموختگان رشته حسابداری کمترین مهارت‌های حرفه‌ای را به دست آورده اند. از طرف دیگر باتوجه به اینکه میانگین مهارت‌های حرفه‌ای مورد انتظار از نظر شاغلین حرفه، استادان و دانشجویان بیشتر از ۳ می باشد، می توان نتیجه گرفت که از نظر همه پاسخ دهندگان مهارت‌های حرفه‌ای با اهمیت می باشد و از طرف دیگر با توجه به اینکه میانگین مهارت‌های حرفه‌ای عملی از نظر شاغلین حرفه ، استادان و دانشجویان کمتر از ۳ می باشد، می توان نتیجه گرفت که از نظر همه پاسخ دهندگان، دانش آموختگان حسابداری فاقد مهارت‌های حرفه‌ای عملی لازم می باشد.

جدول ۴. آمار توصیفی

میانگین	استادان			اعضای حرفه حسابداری				دانشجویان				کل		میانگین	
	حداک	حداک	میانگین	حداک	حداک	میانگین	حداک	حداک	میانگین	حداک	حداک	میانگین	حداک		میانگین
۴	۴	۵	۳,۸۴	۳	۵	۳,۷۵	۳	۵	۳,۷۵	۲	۵	۳,۸۳	۲	۵	۳,۸۳
۲,۱۲	۲,۱	۴	۲,۴۱	۱	۵	۲,۶	۱	۵	۲,۶	۱	۵	۲,۴۶	۱	۵	۲,۴۶

آمار استنباطی

در این بخش ما به دنبال آزمون فرضیه های پژوهش می باشیم که برای رسیدن به این مهم از آزمون‌های آماری مقایسه ای جهت تعیین شکافهای انتظار و عملکرد از آزمون‌های مقایسه میانگین t زوجی (برای "شکاف انتظار- عمل" و "شکاف محدودیت‌ها") و تحلیل واریانس (ANOVA) برای "شکاف انتظار" و "شکاف عمل" استفاده گردید.

فرضیه ۱- از دیدگاه شاغلین در حرفه بین مهارت‌های حرفه‌ای مورد انتظار و دستیابی دانش آموختگان مقطع کارشناسی رشته حسابداری به این مهارت‌ها در عمل تفاوت معنی دار وجود دارد.

$$H_0: \mu_1 = \mu_2$$

$$H_1: \mu_1 \neq \mu_2$$

جدول ۶: نتایج آزمون زوجی درباره فرضیه اول

آزمون زوجی				
		تعداد	ضریب همبستگی	Sig.
اعضای حرفه	انتظار و عمل	۱۰۷	-۰,۲۶۲	۰,۰۰۶

آزمون زوجی									
		تفاوت‌های زوجی					t	درجه آزادی	Sig. (دو دامنه)
		میانگین	انحراف معیار	خطای استاندارد میانگین	اختلاف دو وزن با 95% فاصله اطمینان				
					حد پایین	حد بالا			
اعضای حرفه	انتظار و عمل	۱,۴۲۴	۱,۱۴۷	۰,۱۱۱	۱,۲۰۴	۱,۶۴۴	۱۲,۸	۱۰۶	۰,۰۰۰
							۳۹		

با توجه به نتیجه آزمون در جدول بالا، Sig آزمون کوچکتر از ۵ درصد می باشد. در نتیجه می توان گفت با رد فرضیه H_0 فرضیه اول پژوهش تایید می شود و بین مهارت‌های حرفه‌ای مورد انتظار از دیدگاه شاغلین در حرفه و دستیابی دانش آموختگان به مهارت‌های حرفه‌ای تفاوت معنی داری وجود دارد. بنابراین «شکاف انتظار-عمل» وجود دارد.

فرضیه ۲- بین انتظار شاغلین در حرفه و استادان و دانشجویان دانشگاه‌ها درباره مهارت‌های لازم در موفقیت شغلی دانش آموختگان رشته حسابداری مقطع کارشناسی رشته حسابداری تفاوت معنی دار وجود دارد.

$$H_0: \mu_1 = \mu_2 = \mu_3$$

حداقل میانگین نظرات یک گروه با بقیه تفاوت دارد : H_1

گروه استادان	انتظارات و عمل	۱,۸۸۷	۰,۷۹۹	۰,۱۴۸	۱,۵۸۳	۲,۱۹۱	۱۲,۷ ۱۴	۲۸	۰,۰۰۰
استادان = گروه									

با توجه به نتیجه آزمون در جدول بالا، Sig آزمون کوچکتر از ۵ درصد می باشد. در نتیجه می توان گفت با رد فرضیه H_0 ، فرضیه سوم پژوهش تایید می شود و بین مهارت‌های حرفه‌ای مورد انتظار از دیدگاه استادان دانشگاه و دستیابی دانش آموختگان به این مهارت‌ها تفاوت معنی‌داری وجود دارد و استادان دانشگاه نتوانستند مهارت‌های حرفه‌ای مورد انتظارشان را به دانش آموختگان رشته حسابداری در مقطع کارشناسی انتقال و آموزش دهند. بنابراین «شکاف محدودیت‌ها» وجود دارد.

فرضیه ۴- بین دیدگاه شاغلین حرفه و دانشجویان در دستیابی دانش آموختگان مقطع کارشناسی رشته حسابداری به مهارت‌های حرفه‌ای و دیدگاه استادان در انتقال و آموزش این مهارت‌ها به آنها تفاوت معنی دار وجود دارد.

$$H_0: \mu_1 = \mu_2 = \mu_3$$

حداقل میانگین نظرات یک گروه با بقیه تفاوت دارد : H_1

جدول ۹. نتایج آزمون تحلیل واریانس (ANOVA) درباره فرضیه چهارم

ANOVA								
عملکرد								
	تعداد	میانگین	انحراف معیار	خطای استاندارد	میانگین با فاصله اطمینان ۹۵%		کمترین	بیشترین
					حد پایین	حد بالا		
اعضای حرفه	۱۰۷	۲,۴۱	۰,۷۸۶	۰,۰۷۶	۲,۲۶	۲,۵۶	۱	۵
استادان	۲۹	۲,۱۲	۰,۶۳۲	۰,۱۱۷	۱,۸۸	۲,۳۶	۱	۴
دانشجویان	۹۸	۲,۶	۰,۶۷۸	۰,۰۶۸	۲,۴۷	۲,۷۴	۱	۵
کل	۲۳۴	۲,۴۶	۰,۷۳۸	۰,۰۴۸	۲,۲۶	۲,۵۵	۱	۵

تحلیل واریانس (ANOVA)					
انتظارات					
	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	F	Sig.
بین گروهی	۵,۶۸۵	۲	۲,۸۴۲	۵,۴۱۶	۰,۰۰۵
درون گروهی	۱۲۱,۲۴۳	۲۳۱	۰,۵۲۵		
جمع کل	۱۲۶,۹۲۸	۲۳۳			

با توجه به نتیجه آزمون در جدول بالا، Sig آزمون کمتر از ۵ درصد می باشد. در نتیجه می توان گفت با رد فرضیه H_0 ، فرضیه چهارم پژوهش تایید می شود و بین نظرات استادان دانشگاه، شاغلین در حرفه و دانشجویان حسابداری از نظر مهارت‌های حرفه‌ای عملی دانش‌آموختگان در رشته حسابداری تفاوت معنادار وجود دارد. البته بررسی بیشتر مولفه‌های مربوط به این فرضیه نشان می دهد «شکاف عمل» مهارت‌های حرفه‌ای مربوط به مهارت‌های بین فردی و ارتباطی، توانایی انجام همکاری و کار گروهی در هنگام تلاش جهت اهداف سازمانی، توانایی برقراری ارتباط به صورت واضح و مختصر هنگام ارائه، بحث و گزارش در شرایط رسمی و غیر رسمی، بصورت کتبی و شفاهی، توانایی ابراز آگاهی از تفاوت‌های فرهنگی و زبانی در تمام ارتباطات، توانایی اعمال گوش دادن فعال و مهارت‌های مصاحبه موثر، توانایی اعمال مهارت‌های مذاکره برای رسیدن به راه حل و توافق، توانایی ابراز عقاید و نفوذ به دیگران برای ایجاد پشتیبانی و عمل به تعهدات، مهارت‌های شخصی، توانایی اعمال تردید حرفه‌ای از طریق پرسش و ارزیابی انتقادی همه اطلاعات، توانایی ایجاد استانداردهای شخصی بالا برای ارائه و نظارت بر عملکرد شخصی، از طریق بازخورد از دیگران و از طریق تفکر، توانایی مدیریت زمان و منابع برای تحقق تعهدات حرفه‌ای، توانایی اعمال ذهن باز برای فرصت‌های جدید، مهارت‌های سازمانی، توانایی انجام وظایف در زمان مشخص مطابق با آیین نامه سازمان، توانایی بررسی کار خود و دیگران برای تعیین اینکه آیا آن مطابق با استانداردهای کیفیت سازمان است، توانایی کاربرد ابزار و فناوری مناسب برای افزایش کارایی و اثربخشی و بهبود تصمیم‌گیری می باشد.

نتیجه آزمون‌های مقایسه‌های چندگانه درباره فرضیه چهارم در جدول ۱۰ نشان می دهد که Sig نظرات گروه استادان و دانشجویان در مورد مهارت‌های حرفه‌ای عملی دانش‌آموختگان رشته حسابداری در دوره کارشناسی کمتر از ۵ درصد می باشد، بنابراین می توان نتیجه گرفت در مورد آموزش مهارت‌های حرفه‌ای دانش‌آموختگان حسابداری در دوره کارشناسی بین نظرات استادان دانشگاه و دانشجویان در خصوص مهارت‌های عملی دانش‌آموختگان رشته حسابداری تفاوت معنی دار وجود دارد.

جدول ۱۰. نتایج آزمون‌های مقایسه‌های چندگانه درباره فرضیه چهارم

مقایسه چندگانه							
	گروه (I)	گروه (J)	تفاوت میانگین (I-J)	خطای استاندارد	Sig.	% فاصله اطمینان	
						حد پایین	حد بالا
آزمون توکی ^۱	اعضای حرفه	استادان	۰,۲۹۷	۰,۱۵۲	۰,۱۲۴	-۰,۰۶	۰,۶۶
		دانشجویان	-۰,۱۹	۰,۱۰۱	۰,۱۴۷	-۰,۴۳	۰,۰۵
	استادان	اعضای حرفه	-۰,۲۹۷	۰,۱۵۲	۰,۱۲۴	-۰,۶۶	۰,۰۶
		دانشجویان	-۰,۴۸۸	۰,۱۵۳	۰,۰۰۵	-۰,۸۵	-۰,۱۳
	دانشجویان	اعضای حرفه	۰,۱۹	۰,۱۰۱	۰,۱۴۷	-۰,۰۵	۰,۴۳
		استادان	۰,۴۸۸	۰,۱۵۳	۰,۰۰۵	۰,۱۳	۰,۸۵
آزمون شفه ^۲	اعضای حرفه	استادان	۰,۲۹۷	۰,۱۵۲	۰,۱۴۸	-۰,۰۸	۰,۶۷
		دانشجویان	-۰,۱۹	۰,۱۰۱	۰,۱۷۴	-۰,۴۴	۰,۰۶
	استادان	اعضای حرفه	-۰,۲۹۷	۰,۱۵۲	۰,۱۴۸	-۰,۶۷	۰,۰۸
		دانشجویان	-۰,۴۸۸	۰,۱۵۳	۰,۰۰۷	-۰,۸۷	-۰,۱۱
	دانشجویان	اعضای حرفه	۰,۱۹	۰,۱۰۱	۰,۱۷۴	-۰,۰۶	۰,۴۴
		استادان	۰,۴۸۸	۰,۱۵۳	۰,۰۰۷	۱۱	۰,۸۷
آزمون حداقل اختلاف معنادار	اعضای حرفه	استادان	۰,۲۹۷	۰,۱۵۲	۰,۰۵۱	۰	۰,۶
		دانشجویان	-۰,۱۹	۰,۱۰۱	۰,۰۶۲	-۰,۳۹	۰,۰۱
	استادان	اعضای حرفه	-۰,۲۹۷	۰,۱۵۲	۰,۰۵۱	-۰,۶	۰
		دانشجویان	-۰,۴۸۸	۰,۱۵۳	۰,۰۰۲	-۰,۷۹	-۰,۱۹
	دانشجویان	اعضای حرفه	۰,۱۹	۰,۱۰۱	۰,۰۶۲	-۰,۰۱	۰,۳۹
		استادان	۰,۴۸۸	۰,۱۵۳	۰,۰۰۲	۰,۱۹	۰,۷۹

*. تفاوت میانگین در سطح ۵ درصد معنادار هست

بحث و نتیجه گیری :

سرمایه گذاری در آموزش می‌تواند به عنوان انعکاس سرمایه گذاری مولد تحت دکتورین تئوری سرمایه انسانی دیده شود و سرمایه گذاری در سرمایه انسانی (به وسیله آموزش) در افراد، سازمان‌ها و رشد اقتصادی تاثیر قابل توجهی دارد. تئوری سرمایه انسانی شایستگی‌هایی که افراد با آموزش تحصیل می‌کنند را عامل اصلی موفقیت افراد و توسعه کشورها بیان می‌نماید. نظریه برنامه آموزشی عبارتست از تجزیه و تحلیل یک رشته دانشگاهی به منظور توسعه برنامه‌های آموزشی

طراحی شده برای تامین خواسته های آتی می باشد. یکی از ایدئولوژی های نظریه برنامه آموزشی ایدئولوژی اثربخشی اجتماعی می باشد، براساس این ایدئولوژی مراکز آموزشی باید صلاحیت‌ها و دانش‌های لازم را به دانش آموختگان آموزش دهند تا این افراد در جامعه اثربخش و موفق باشند(پرویز، ۲۰۱۴: ۱۵۶). به نظر می رسد آموزش حسابداری در دوره کارشناسی در حال حاضر، آموزش مهارت‌های حرفه‌ای و صلاحیت‌های لازم به دانشجویان به منظور دستیابی به شغل بهتر در آینده می باشد(سرفصل برنامه آموزشی دوره کارشناسی رشته حسابداری) و هدف ایدئولوژی اثربخشی اجتماعی نظریه برنامه آموزشی، طراحی یک برنامه آموزشی برای به حداکثر رساندن، توانمندی ها و تامین انتظارات شاغلین در حرفه حسابداری می باشد(پرویز، ۲۰۱۴: ۱۷۳). مدل جامع شکاف انتظار- عمل برای بررسی هدف پژوهش در آموزش رشته حسابداری مناسب می باشد. این بررسی نشان داد که بهینه سازی آموزش حسابداری برای ارتقاء اثربخشی و کارایی دانش آموختگان رشته حسابداری در کشورهای مختلف دنیا مورد توجه بوده است در این پژوهش که در بیش از ده دانشگاه تراز اول از نظر امکانات و رتبه علمی که مجری مقطع دکتری حسابداری در ایران و شاغلین حرفه به انجام رسید؛ آشکار گردید که شکاف معناداری بین انتظارات و عمل دانش آموختگان رشته حسابداری وجود دارد.

از طرف دیگر براساس نتایج پژوهش‌های حکیم و بیزری، ۲۰۱۵؛ پرویز، ۲۰۱۴؛ آبادی و واتی، ۲۰۱۴؛ بیوی و پورتر، ۲۰۱۰؛ نوروش، ۱۳۸۲؛ اعتمادی و فخاری، ۱۳۸۳؛ صالحی و همکاران، ۱۳۹۳؛ مجتهدزاده و همکاران، ۱۳۸۹ و نوروش و همکاران، ۱۳۹۰، آموزش حسابداری در دانشگاه‌ها از نظر تامین انتظارات حرفه و بازار کار مطلوب و مناسب نیست. یکی از راه‌های رفع این مشکل، بهینه سازی آموزش حسابداری در دانشگاه‌هاست و این امر بر اهمیت شناسایی و توسعه مهارت‌های حرفه‌ای لازم در آموزش حسابداری در دانشگاه‌ها در ایران به صورت روشمند می افزاید. در این راستا مدل جامع «شکاف انتظار - عمل» می تواند در دستیابی به الگویی برای کمک به رفع این چالش مؤثر باشد. از این رو برای ارتقا جایگاه آموزشی دانشگاه‌ها و ارتباط بهتر دانشگاه و بازارکار توجه به مدل جامع فاصله انتظار بازارکار و عملکرد دانش آموختگان و زمینه های پیدایش این شکاف و فاصله راهگشا بوده و با آسیب شناسی درست شکاف بین انتظارات کارفرمایان و توانمندیهای دانش آموختگان در عمل بستری برای بروزرسانی و بازکاوی آنها آماده می سازد. در نهایت با توجه به این موضوع می توان گامی در هماهنگی زمینه میان انتظارات حرفه و صنعت و عملکرد دانش آموختگان برداشت.

بررسی یافته‌های مربوط به فرضیه اول پژوهش به وجود شکاف بین همه مهارت‌های حرفه‌ای مورد انتظار شاغلین در حرفه و دستیابی دانش آموختگان دوره کارشناسی رشته حسابداری اشاره می‌کند و حاکی از این است که دانش آموختگان دوره کارشناسی رشته حسابداری فاقد مهارت‌های حرفه‌ای مورد انتظار حرفه حسابداری و بازار کار می‌باشد. نتایج این فرضیه همسو با دیدگاه محققانی نظیر حکیم و بیبزی (۲۰۱۵) در لبنان، پرویز (۲۰۱۴) در پاکستان، آبادیرا و واتی (۲۰۱۴) در سریلانکا و بیبزی و پورتتر (۲۰۱۰) در استرالیا می‌باشد. و بیان می‌کند که مشابه کشورهای لبنان، پاکستان و استرالیا دانش آموختگان حسابداری در ایران نیز فاقد مهارت‌های حرفه‌ای لازم برای تامین انتظارات حرفه حسابداری در دوره کارشناسی می‌باشند. این امر نشان دهنده این است که مراکز دانشگاهی در رشته حسابداری ایران نیز مشابه کشورهای فوق الذکر در تامین انتظارات بازار کار ناموفق عمل کرده‌اند و نتوانسته‌اند دانش آموختگان حسابداری توانمند تربیت نمایند. لذا با توجه به اینکه دانشگاه‌ها مسئول اصلی تربیت متخصص جهت تامین انتظارات بازار کار می‌باشد، باید در دانشگاه‌ها جهت تربیت حسابداران حرفه‌ای که بتوانند انتظارات حرفه حسابداری را برآورده نمایند، تلاش بیشتری صورت گیرد.

بررسی یافته‌های مربوط به فرضیه دوم پژوهش بیانگر تشابه انتظارات شاغلین در حرفه، استادان و دانشجویان در مهارت‌های حرفه‌ای می‌باشد و دانشگاهیان انتظارات اعضای حرفه و بازار کار را می‌دانند. البته در مورد توانایی انجام همکاری و کار گروهی در هنگام تلاش جهت اهداف سازمانی، توانایی انجام وظایف در زمان مشخص مطابق با آیین نامه سازمان، توانایی کاربرد ابزار و فناوری مناسب برای افزایش کارایی و اثربخشی و بهبود تصمیم‌گیری «شکاف انتظار» وجود دارد. نتایج این فرضیه همسو با دیدگاه محققانی نظیر پرتاما (۲۰۱۴) در اندونزی، آبادیرا و واتی (۲۰۱۴) در سریلانکا می‌باشد اما با نتایج تحقیق انجام شده توسط پرویز (۲۰۱۴) در پاکستان و بیبزی و پورتتر (۲۰۱۰) در استرالیا و مجتهدزاده و همکاران (۱۳۸۹) در ایران مغایر است و بیان می‌کند انتظارات در حال حاضر انتظارات بین دانشگاهیان و شاغلین حرفه حسابداری نزدیک شده است. با توجه به اینکه در حال حاضر در ایران برخلاف نتایج پژوهش مجتهدزاده و همکاران (۱۳۸۹) که نشان داد که دیدگاه دانشگاهیان و حرفه حسابداری در مورد مهارت‌های مورد انتظار متفاوت می‌باشد، مهارت‌های مورد انتظار دانشگاهیان و حرفه همسو می‌باشد، که این امر نشان دهنده نزدیک شدن دیدگاه دانشگاهیان و حرفه حسابداری در مورد مهارت‌های حرفه‌ای مورد انتظار می‌باشد. همچنین نشان می‌دهد که

انتظارات دانشگاه و بازار کار در ایران، اندونزی و سریلانکا برخلاف پاکستان و استرالیا در مورد مهارت‌های حرفه‌ای مشابه می باشد.

بررسی یافته‌های مربوط به فرضیه سوم پژوهش به وجود شکاف بین همه مهارت‌های حرفه‌ای مورد انتظار استادان و آموزش و انتقال این مهارت‌ها به دانش آموختگان دوره کارشناسی رشته حسابداری اشاره می کند و می توان نتیجه گرفت استادان نمی توانند مهارت‌های حرفه‌ای مورد انتظارشان را به دانش آموختگان رشته حسابداری آموزش دهند. نتایج این فرضیه همسو با دیدگاه محققانی نظیر آبادیرا و واتی (۲۰۱۴) در سریلانکا و بیویی و پورتر (۲۰۱۰) در استرالیا می باشد. نتایج این فرضیه نشان می دهد که استادان نمی توانند مهارت‌های حرفه‌ای مورد انتظارشان را با توجه به موانعی که در سیستم آموزشی رشته حسابداری در دانشگاه‌های ایران وجود دارد، به دانشجویان انتقال بدهند. بنابراین باید با رفع موانع سیستم آموزشی رشته حسابداری، امکان انتقال مهارت‌های حرفه‌ای مورد انتظار استادان به دانشجویان فراهم شود.

بررسی یافته‌های مربوط به فرضیه چهارم پژوهش به وجود شکاف بین مهارت‌های حرفه‌ای عملی دانش آموختگان حسابداری از نظر شاغلین در حرفه، استادان و دانشجویان اشاره می کند و نشان دهنده این است که دانش آموختگان رشته حسابداری در عمل توانایی کاربرد مهارت‌های حرفه‌ای آموزش دیده را ندارند. نتایج این فرضیه همسو با دیدگاه محققانی نظیر پرویز (۲۰۱۴) در پاکستان، آبادیرا و واتی (۲۰۱۴) در سریلانکا و بیویی و پورتر (۲۰۱۰) در استرالیا می باشد. با توجه به اینکه میزان توانایی عملی دانش آموختگان حسابداری از نظر دانشگاهیان و حرفه حسابداری متفاوت می باشد، باید دیدگاه‌های دانشگاهیان و حرفه حسابداری را در مورد میزان توانایی دانش آموختگان رشته حسابداری به هم نزدیک کرد. چرا که با نزدیک کردن دیدگاه این گروه‌ها می توان شرایط تربیت حسابداران حرفه‌ای و متخصص را فراهم کرد و موجب عملکرد بهتر دانش آموختگان رشته حسابداری در بازار کار شد.

بنابراین نتایج این پژوهش بیانگر آن است که در آموزش مهارت‌های حرفه‌ای در دوره کارشناسی رشته حسابداری، انتظارات حرفه حسابداری برآورده نشده است و دانش آموختگان رشته حسابداری فاقد مهارت‌های حرفه‌ای لازم در عمل می باشند. این ناتوانی دانش آموختگان دوره کارشناسی رشته حسابداری ناشی از عدم توانایی استادان در آموزش مهارت‌های حرفه‌ای مورد انتظارشان به دانشجویان و عدم توانایی دانش آموختگان رشته حسابداری در بکارگیری مهارت‌های کسب شده در عمل می باشد.

محدودیت های این پژوهش شامل محدودیت ذاتی پرسشنامه، عدم همکاری برخی از پاسخ دهندگان در تکمیل پرسشنامه، عدم همکاری بعضی از دانشگاه‌ها در تکمیل پرسشنامه توسط دانشجویان رشته حسابداری، عدم آشنایی برخی از پاسخ دهندگان با مهارت‌های لازم بر اساس استاندارد بین المللی آموزشی حسابداری می باشد.

با توجه به یافته های حاصل از پژوهش پیشنهاد می شود، در تدوین برنامه آموزشی رشته حسابداری در دوره کارشناسی از نظرات اعضای حرفه‌ای استفاده بیشتری صورت گیرد و ارتباط مستمر بین دانشگاه و حرفه حسابداری برقرار شود و نیز جهت حل عدم توانایی آموزش مهارت‌های مورد انتظار استادان به دانش آموختگان حسابداری، در سیستم آموزشی دانشگاه‌های کشور سرمایه گذاری لازم صورت گیرد و در دروس دوره کارشناسی آموزش مهارت‌های حرفه‌ای نیز گنجانده شود. همچنین با ایجاد دوره های کارآموزی می توان مهارت‌های عملی دانش آموختگان حسابداری را ارتقا داد و دیدگاه دانشگاهیان و حرفه حسابداری را در خصوص توانایی عملی دانش آموختگان رشته حسابداری نزدیک نمود .

منابع

- اعتمادی، حسین و فخاری، حسین. (۱۳۸۳). تبیین نیازها و اولویت‌های تحقیقاتی حسابداری، ارائه الگویی جهت همسویی تحقیقات، آموزش و عمل. *مجله بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، ۱۱(۳۵): ۲۷-۳.
- امیری مقدم، معصومه. (۱۳۹۳). ارتقای آموزش حسابداری حرفه‌ای، گزارش سال ۲۰۱۳ هیئت استانداردهای بین‌المللی آموزش حسابداری. *مجله حسابرس*، ۷۴: ۶۲-۵۸.
- باغومیان، رافیک و رحیمی باغی، علی. (۱۳۹۱). موانع پیشرفت آموزش حسابداری در ایران. *فصلنامه مطالعات تجربی حسابداری مالی*، ۱۰(۳۵): ۶۹-۹۱.
- دادگر، شهرام؛ فخاری، حسین و ملکیان، اسفندیار. (۱۳۹۵). در آمدی بر ارائه مدل جامع «شکاف انتظار - عمل» در شناسایی و توسعه مؤلفه‌های آموزش حسابداری در ایران. *چهاردهمین همایش ملی حسابداری ایران*. ارومیه: دانشگاه ارومیه.
- دادگر، شهرام؛ نوروش، ایرج و رستمیان، فروغ. (۱۳۹۱). بررسی اثربخشی برنامه آموزش حسابداری در مقطع کارشناسی ارشد (از نظر دانشجویان دانشگاه‌های مجری مقطع دکتری). *دهمین همایش ملی حسابداری ایران*. تهران: دانشگاه الزهراء(س).
- دل‌واله، جی جی. (۱۳۸۵). پیشرفت همسان‌سازی آموزش حسابداری در گذار (ترجمه حمیدرضا علمشاهی). *مجله حسابرس*، ۳۴: ۵۳-۵۲.
- دهنوی، حسن دهقان؛ معین‌الدین، محمود و صبا، ندا. (۱۳۹۱). تعیین اجزای دانش و مهارت آموزش حسابداری در محیط‌های تجاری جدید با رویکرد مدل‌سازی معادلات ساختاری. *مجله پژوهش‌های تجربی حسابداری*، ۱(۴): ۱۰۵-۱۱۹.
- رحمانی، حلیمه و بشیری منش، نازنین. (۱۳۹۴). لزوم بازنگری در سیستم آموزشی رشته حسابداری. *سیزدهمین همایش ملی حسابداری ایران*. تهران: دانشگاه تهران.
- رهنمای رودپشتی، فریدون؛ وکیلی فرد، حمیدرضا و رئیس زاده، سید محمد رضا. (۱۳۹۰). تعیین اولویت‌ها و نیازهای آموزش محتوای دروس حسابداری از دیدگاه دانشجویان، اساتید و وشاغلین در حرفه و ارائه الگوی مؤثر. *تحقیقات حسابداری*، ۱(۴): ۷۸-۹۷.

ستایش، محمد حسین و منصوری، شعله. (۱۳۹۱). بررسی راهکارهای ایجاد همسویی میان محتوای آموزش حسابداری با ضرورت‌های محیط کسب و کار. فصلنامه مطالعات تجربی حسابداری مالی، ۱۰(۳۳): ۱۹-۳۷.

صالحی عمران، ابراهیم. (۱۳۸۳). دیدگاه‌های نظری توسعه آموزش عالی. دانشور رفتار، ۱۱(۵): ۶۸-۵۵.

صالحی، مهدی، نصیرزاده، فرزانه و رستمی، وهاب. (۱۳۹۳). چالش‌های آموزش حسابداری در ایران از دید شاغلین حرفه و مراجع دانشگاهی. مجله دانش حسابرسی، ۱۳(۵۴): ۶۷-۸۶.

مجته‌زاده، ویدا، علوی طبری، سید حسین و مرادی پر، فاطمه. (۱۳۸۹). دانش و مهارت‌های مورد نیاز برای دانش‌آموختگان مقطع کارشناسی حسابداری دیدگاه استادان، شاغلان در حرفه و دانشجویان حسابداری (بررسی موردی: استان آذربایجان غربی). مجله دانش حسابداری، ۱۱(۱): ۷۳-۸۷.

مشایخی، بیتا و نوروش، ایرج. (۱۳۸۴). نیازها و اولویت‌های آموزشی حسابداری مدیریت: فاصله ادراکی بین دانشگاهیان و شاغلین در حرفه حسابداری. مجله بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۱۲(۴۱): ۱۳۳-۱۶۱.

نوروش، ایرج. (۱۳۸۲). بررسی فرایند تغییر برنامه درسی و پیشنهاد یک برنامه درسی نوسازی شده برای دوره کارشناسی رشته حسابداری. مجله بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۱۰(۳۲): ۲۱-۴۲.

Abayadeera, N., Watty, K. (2014). The expectation-performance gap in generic skills in accounting graduates. *Asian Review of Accounting*, 2 (1): 56-72.

Ameen, E. C., Guffey, D. M. and Jackson, C. M. (2000). Silence is not golden: further evidence of oral communication apprehension in accounting majors. *Advances in Accounting Education*, 3: 85-105.

American Accounting Association (AAA), Committee on the Future Structure and Content and Scope of Accounting Education (The Bedford Committee). (1986). *Future accounting education: Preparing for the expanding profession*. *Issues in Accounting Education*, 1: 168-195

Armitage, J. L. (1991). Academics' and practitioners' views on the content and importance of the advanced financial accounting course. *Journal of Accounting Education*, 9(2): 327-340.

- Bui, B. & Porter, B. (2010). The Expectation-Performance Gap in Accounting Education: An Exploratory Study. *Accounting Education*, 19(1): 23-50.
- Edgard, B. (2011). How Relevant Do Accountants Consider Knowledge, skills and Instructional Methods Acquired During College and Required by the profession? A Cross-Country Analysis. *American Accounting Association Annual Meeting*.
- Francis, G. and Minchington, C. (1999). Quantitative skills: is there an expectation gap between the education and practice of management accountants. *Accounting Education: an international journal*, 8(4): 301–319.
- French, G. R, Richard E. Coppage. (2003). A strategic Model for Accounting Education. *Journal of Applied Business Research*, 10 (2): 107-114.
- Gene, L., Smith. (2006). Determining differences in the preferred undergraduate accounting curriculum among students, practitioners and educators. Ph.D. thesis, North Central University, Arizona.
- IAESB. (2014). *International Education Standards 3: Initial Professional Development – professional skills (Revised)*. New York.
- Lin, J., Xiong, X. and Liu, M. (2005). Knowledge base and skill development in Accounting education: Evidence from china. *Journal of Accounting education*, 4: 149-169.
- Marriott, P. & Marriot, N. (2003). Are we turning them on? A longitudinal study of undergraduate accounting student's attitudes towards accounting as a profession. *Accounting Education: an international journal*, 12(2): 113–133.
- McPail, K. (1999). The threat of ethical accountants: an application of Foucault's concept of ethics to accounting education and some thoughts on ethically educating for the other. *Critical Perspectives on Accounting*, 1(10): 83-66.
- Millard, P. (2003) Promoting the profession, *Chartered Accountant Journal of New Zealand*, 82(1): 13. Murdoch, B. and Guy, P. W. (2002) Active learning in small and large classes, *Accounting Education: an international journal*, 11(3): 271–282.
- Neuron, B. (2002). A professional argues for higher education standards. *The CPA Journal*, 73(1): 17-22.

- Novin, Pearson & Sedge (1990), Improving the curriculum for aspiring management accountants: The practitioner's point of views. *Journal of Accounting Education*, 8:20-32.
- Parvaiz, G., S. (2014). *Skills Expectation-Performance Gap: A Study of Pakistan Accounting Education* (Ph.D. thesis). London: Brunel University.
- Pinar, W.F. (2004). *What is curriculum theory*. London: Routledge.
- Porter, B. A. and Carr, S. A. (1999). From strategic plan to practical realities: developing and implementing a zero-based accounting curriculum. *Issues in Accounting Education*, 14(4): 565–588.
- Pretama, Arie. (2015). Bridging the Gap Between Academicians and Practitioners on Accounting Competencies: An Analysis of International Education Standards (IES) Implementation On Indonesia's Accounting Education. *procedia-social and Behavioral Sciences*, 3:19-26.
- Renner, C. & Tanner, M. (2001). Educating future accountants: Alternatives for meeting the ISO- hour requirement. *Journal of Education for business*, 76(3): 132-137.
- Schiro, M.S. (2012). *Curriculum theory: Conflicting visions and enduring concerns*. California: Sage.
- Siegel, G. and J. E. Sorensen. (1994). What corporate America wants in entry level accountants?. *Management Accounting*, 3: 45-56.
- Simons, K., Higgins, M. and Lowe, D. (1995). A profile of communication apprehension in accounting majors: implication for teaching and curriculum revision. *Journal of Accounting Education*, 13(2): 159–176.
- Stice, J. D. and Stocks, K. D. (2000). Effective teaching techniques: perceptions of accounting faculty. *Advances in Accounting Education*, 2: 179–191.
- Swain, M. R. and Stout, D. E. (2000). Survey evidence of teacher development based on AECC recommendations. *Journal of Accounting Education*, 18(2): 99–113.
- Willcoxson, L., Wynder, M. and Laing, G.K. (2010). A whole-of-program approach to the development of generic and professional skills in a university accounting program. *Accounting Education*, 19(1): 65-91.
- Wolk, C., Schmidt, T. and Sweeney, J. (1997). Accounting educators' problem-solving style and their pedagogical perceptions and preferences. *Journal of Accounting Education*, 15(4): 469–484.

Wooten, T. C. (1998). Factors influencing student learning in introductory accounting classes: a comparison of traditional and non-traditional students: *Issues in Accounting Education*, 13(2): 357–373.